ماهنامه
آگاهی حقوقی
ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
سال دوازدهم | شماره ۱۸۰ | ۳۱ - جوزا _ ۱۲۹۷

مرد زناکار جز زنی زناکار یا مشرک را
به همسری نگیرد و زن زناکار جز مرد
زناکار یا مشرک را به زنی نگیرد و بر
مومنان این {امر} جرام گردیده است
سوره نور آیه ۳

جرم قماربازی

● تتبع ونگارش:گلالی سنگرخیل عزیزی

قمار بازی فعلی ا ست که در آن شرط برد وباخت غیر مشروع وغیر قانونی باشد.
قمارمصدر باب مفاعله است ودر لغت به معنی هرنوع بازی با سکه یا ورق یا تخته برد است که در آن شرط کنند که شخص برنده از کسی که بازی را باخته پول یا چیزی دیگری بگیرد.
ودر اصطلاح قمار عبارت است از: هرنوع برد وباخت به وسیله بازی با سکه پول،قاب ، ورق یا تخته نرد وامثال اینها ست. قمار در قاموس اصطلاحات حقوقی ذیلا بیان گردیده است: "هر نوع شرط بندی در مقابل عوض برد وباخت (مالی)".
بطور کل میتوان گفت که پدیده قمار یکی از آفت های اجتماعی است وارتکاب آن باعث به یغما بردن دستمزد دیگران می گردد که از نظر اخلاقی عمل ناپسندی تلقی می گردد زیرا مرتکب قمار کسی است که با استفاده از آلات مختلف با خدعه وزیرکی خاصی پول یا چیزی ارزشمند متعلق به دیگری را می برد
حرمت وممنوعیت قمار در حقوق اسلام، بنابر فرموده خداوند (ج) ذیلاً بیان گردیده است: " ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید. آیه(۹۰) سوره المایده. همچنان در آیه دیگری خداوند (ج)می فرماید :
همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی دارید. آیه (۹۱) سوره المایده
نظر به موازین فقهی قمار ودعاوی راجع به آن را غیر مسموع اعلان کرده اند اما در گذشته ها در قانون مجازات اسلامی نفس عمل قماربازی مستقلاًجرم نبوده وتنها دایر کردن قمار خانه ودعوت مردم به آنجا برای قمار وقمار بازی علنی جرم وقابل مجازات بود .
قماربازی با هر وسیله ای ممنوع است ومرتکبین آن مجازات می گردد.قبل از انفاذکود جزاء طبق حکم ماده ۳۵۳ قانون جزاءدر مورد اشخاصی که به این عمل مبادرت می ورزیدند مجازات می گردید. با انفاذ کود جزا افغانستان که به تاریخ ۲۵ ثور سال ۱۳۹۶نشرو نه ماه بعد از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ وبا انفاذ این قانون،احکام جزایی سایر قوانین که با حکمی از احکام این قانون در مغایرت قراردارد ملغا گردیده است.این قانون نیز در مورد قمار بازی ومجارات ان طبق حکم ماده ۶۹۱، ۶۹۲و۶۹۳ احکام ذیل را دارد: " شخصی که در محل عمومی ویا محلی که به روی عامه مردم باز باشد به قمار بازی بپردازد، به جزای نقدی از ده هزار تاسی هزار افغانی، محکوم می گردد." (ماده ۶۹۱)
جزای آن عده از اشخاصی که در قسمت تنظیم محل قماربازی مبادرت می ورزند طبق حکم ماده ۶۹۲ کود جزاء قرار ذیلاً است:
"شخصی که محل یا منزلی را به منظور قمار بازی آماده نموده باشد یا جزگیری نماید، به حبس قصیر ،محکوم می گردد."
ماده ۶۹۳ در مورد مصادره بیان می دارد : " درحالات مندرج این فصل پول ، آلات وادوات قمار مصادره می گردد."

ادامه در صفحه۲

برگزاری برنامهٔ آگاهی‌دهی حقوقی درلیسه عالی رابیا

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

۲ جوزا۱۳۹۷
ریاست عمومی مساعدت‌های حقوقی وزارت عدلیه ج.ا.ا،برنامهٔ آگاهی‌دهی حقوقی را برای ۱۷۰ تن از شاگردان صنوف دوازدهم لیسه عالی نسوان رابیا، واقع ناحیه چهارم شهرکابل، برگزار نمود.
در این برنامه موضوعات چون: منع خشونت علیه زن، حقوق اساسی و وجایب اتباع، حق دسترسی به مساعدت های حقوقی و موارد مهم دیگر مورد بحث و آموزش قرارگرفت. همچنان یک مقدار مواد تبلیغاتی از قبیل قانون اساسی، کتابچهٔ یاد داشت که حاوی مواد قانونی می‌باشد، به این لیسه تسلیم داده شد.
هدف از تطبیق همچو برنامه‌ها بلند بردن سطح آگاهی حقوقی شاگردان و آشنایی آنها به قوانین نافذهٔ کشورمی‌باشد.

قانون منع خشونت علیه زن و مسؤلیت ارگانهای دولتی

● تتبع ونگارش :بشیر احمد عزیزی

وازجمله اسباب تعدد زوجات حاجت اجتماعی آن است بخاطر ایجاد قرابت ها جهت نشر دعوة اسلامی، مثلیکه رسول اکرم(ص) درسن ۵۴ سالگی خود نه (۹) زن گرفتند، البته نه ۹ زن خاص به پامبر اکرم (ص) جوازبود، بخاطر نشردعوة اسلامی وبخاطر کسب کردن انصار دین جدید راکه آن اسلام بود، درحالیکه تا سن ۵۴ سالگی به یک زن اکتفاء کردند که آن حضرت خدیجه رضی الله تعالی عنها بود.
اسباب خاص:اسباب خاص تعددزوجات زیاد است منجمله:
• عقیم بودن زن ویابیماربودن وی ویاعدم توافق طبیعت آن باطبیعت شوهرش.
احیاناً زن عقیم است که اولاد بدنیا نمی آورد ویا به بیماری مبتلا است که شوهر از آن نفرت می کند ورغبت شوهر نسبت به آن کاسته میشود ویا طبیعت زن با طبیعت شوهر سازگار نمی باشد پس درچنین حالت بهتر وافضل آن است که زن درخانه شوهر خود باقی بماند وبه آن اجازه وفرصت ازدواج به زن دوم را بدهد تا خواسته های که مرد نسبت به داشتن فرزند دارد متحقق شود.
اما گاه گاه تعدد زوجات منجر به فساد میشود بخاطر حسد ونفرت که دربین انباغها ویا باعث جاروجنجال درمیان فرزندان ، که این ناشی از ضعف شخصیت مرد وعدم التزام آن به قواعد شرعی وعدم اجرای عدالت ومساوات درشبخابگی وغیره می باشد.
هرگاه مرد عدالت را مراعات کند میان همسران خود و مساوات را بین فرزندان خود در تعلیم وتربیة ونفقه برقرار سازد وتعین کند حدی را برای هر همسر خود وازآن حد تجاوزنکند، پس جای برای فتنه ، بدی وبغض دربین افراد خانواده باقی نمی ماند واین خیر بزرگی است برای مرد.
• بد دیدن مرد زن خود را
گاهی نزاع فامیلی پیدا میشود میان مرد واقارب زن ویا میان مرد وخود همسر وایجاد تفرقه می شود، زن وشوهردرمقابل یکدیگر موقف گیری می کنند ، درچنین حالت دوراه وجود دارد.
اول : جدائی نهایی که زن تا ابد جگرخون ونا راحت باشد .
دوم : صبر،ازطرف مرد ، که تقاضای اخلاق ، وفاء ،حکمت وعقل را می کند.
وبدون شک اختیار راه دوم که باقی ماندن همسر درسایه زندگی زناشوئی با وجود همسر دیگر خوبتر وبهتر است از طلاق : (ابغض الحلال الی الله).
ب)) حدود وشروط تعدد زوجات قرار ذیل است
۱. زیاد کرده نشود درتعدد زوجات بر چهار تا دریک وقت واحد.
زیرا چهارهمسر کفایت می کند ودرزیادت بر چهار همسر ازبین رفتن احسان وصلاحی است که مشروع گردانیده الله تبارک وتعالی برای زندگی زناشوئی .
۲. درحالتی تعددهمسر مشروع است که شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس ، مسکن وتداوی مناسب را دارا باشد.
۳. مرد باید میان همسران خود عدالت را مراعات کند، وبرابری کند درتمام حقوق ایشان بخصوص حقوق مادی ،اما درآنچه مراعات عدالت ممکن نمی باشد عدالت واجب نمی باشد مانند ؛ دوست داشتن،میل ورغبت.
دراینجا یک سوال مطرح می شود وآن اینکه قرآن کریم شرط تعدد زوجات را رعایت عدالت میان همسران دانسته است، سوال وجواب وی قرارذیل میباشد .
سوال : قرآن کریم شرط تعدد زوجات را رعایت عدالت میان همسران دانسته است خداوند کریم می فرماید : {وان خفتم الا تعدلوا فواحدة } نساء ، آیة ، ۳ یعنی اگر می ترسید که عدالت کرده نمی توانید میان همسرانتان پس یک همسر اختیار کنید .
درحالیکه درآیه ۱۲۹ سوره نساء آمده است: {ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولوحرصتم }. هرگز نمی توانید میان همسرانتان عدالت را رعایت کنید هرچند تلاش کنید .
واز این دو آیة می توان نتیجه گرفت که تعدد زوجات از دید قرآن ممکن نیست یعنی تعدد زوجات از دیدگاه قرآن کریم جواز ندارد .
جواب : عدلی که درآیه ۱۲۹ بیان شده، عدل حقیقی یا حقیقت عدل است . یعنی عدل درتمامی شئون ظاهری وباطنی مثل محبت ودوست داشتن وآنچه درتوان انسان نیست. ازآنجا که محبت امر اختیاری وارادی نمی باشد انسان نمی تواند درآن عدالت را رعایت کند چرا که به دست او نیست .
از این رو خداوند کریم می فرماید: هرچه تلاش کنید باز نمی توانید درمحبت عدالت بورزید .
اما آنچه شرط تعدد زوجات است ومورد نظر آیه سوم سورة نساء میباشد ، رعایت عدالت دررفتار ظاهری ورسیدکی امور دنیایی وتوجهات وامکانات است .
واین نوع عدالت ورزیدن ممکن است زیرا که مبادی آن دراختیار انسان است .
اگر بیم داشته باشد مرد که ظلم می کند وبه حقوق آنها وفاء نمی کند، تعدد زوجات بر او حرام است. اگر توان اداء حقوق سه همسر را داشته باشد وازهمسر چهارم را نداشته باشد حرام است براو نکاح همسر چهارم ، اگرتوان اداء حقوق دو همسر را کسی داشته باشد وتوان اداء حق همسرسوم را نداشته باشد نکاح همسر سوم بر وی حرام است واگر توان اداء حقوق یک همسر راداشته باشد گرفتن همسر دوم براو حرام است.
زیرا خداوند کریم ورحیم درکتاب خود چنین ارشاد می فرماید : « فانکحوا ماطاب لکم من النساء مثنی وثاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة اوماملکت ایمانکم ذالک ادنی الا تعولوا »
(نکاح کنید آنچه را که دوست دارید از زنان (وقتی که بخود اطمینان داشتید که متوانید میان زنان دادگری کنید وشرایط وظروف خاص تعدد ازدواج مهیا بود با زنان دیگری که برای شما حلالند ودوست دارید)، با دو سه ویا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می تر سید که نتوانید میان زنان داد گری را مراعات کنید به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمائید ، این سبب می شود که کم تر دچار کج روی وستم شوید .))

ادامه در صفحه ۲

جرم قمار... قانون منع خشونت علیه زن و مسؤولیت ارگانهای ...

با تاسف از این که درکود جزاء تعریفی از قمار وقمار باز ی نشده است ومرتکبین این جرم را که در محل عمومی ویا محل که به روی عامه مردم باز باشد مرتکب این جرم گردند به جزاء ده هزار الی سی هزار افغانی محکوم میداند .بناً قانون گذارعملی که در انظارودید دیگران به انجام می رسد و فاعل آن علماً وعامداًمبادرت به این کار نماید یعنی تجاهر به قمار (قمار علنی)، ناظر به مواردی است که دو یا چند نفر در معابر عمومی مثل میدان ها یا خیابان ها ویا در اماکن عمومی ومحل های که برای استفاده عموم آماده ومهیا می باشد،مثل قهوه خانه ها در منظر مشتریان با استفاده از ورق پاسور به قصد برد وباخت به قمار بازی مشغول گردند.

بنابر این تجاهر به قمار همان علنی بودن عمل قمار در پیش روی چشم دیگران در اماکن عمومی است . اگر محل وقوع قضیه در اماکن خصوصی وبدون حضور شخص ثالثی باشد علاوه بر تجاهر به قماربازی چنانچه درپیشرو ومنظر دیگران وبه قصد برد وباخت باشد هر چند در اماکن خصوصی یا غیر عمومی صورت گیرد مشمول حکم ماده ۶۹۱و۶۹۲خواهد بود .

بنابر این آنچه در ممنوعیت قمار مهم می باشد احراز شرط برد وباخت بین بازی کنندگان است ولی نوع وسیلهٔ ارتکاب جرم شرط نیست . پس قمار عبارت است از انجام هر نوع بازی بین دو یا چند نفر به هر وسیله ای ممکن است که به هدف برد وباخت صورت می گیرد، مانند قاپ بازی، ورق بازی،ونظایر اینها .در این تعریف نوع وسیله در تحقق جرم مهم نیست بلکه آنچه در ممنوعیت وقابل مجازات بودن قمار اهمیت دارد شرط برد وباخت وجه یا مال متعلق به غیر است. این رفتار مرتکبین به دو طریق زیر قابل تحقق می باشد:

۱ – مواردی که دو نفر یابیشتر به قصد برد وباخت، با استفاده از هر نوع وسایلی که عرفاً برای این کار ساخته شده سر گرم بازی می شوند وپولی بین آنها رد وبدل می شود عمل آنهاتشکیل دهنده عنصر مادی این جرم شناخته می شود.

۲- رفتار دیگر مرتکب جرم در چوکات تجاهر (قمار علنی)به قماربازی قابل تحقق می باشد. در این مورد با توجه به آنچه قبلاًگفته شد در این طریقه لازم نیست که قمار بازی در اماکن عمومی صورت گیرد .بلکه همین اندازه دو نفر یا بیشتر در پیشروی چشم دیگران با استفاده از ورقه پاسور،یا تخته نرد به منظور برد وباخت وجهی را ردوبدل نمایند اقدام آنها برای تحقق عنصر مادی جرم کفایت می کند.

جرم قمار با زی که از جمله جرایم عمدی است. بنابراین مجرم شناختن مرتکبین قمار گرچه به قصد این جرم یعنی بردن پول یا مال بین بازی کنندگان به عمل نیامده است اما نظر به برد وباخت که جز اخیر عنصر روانی جرم قمار بازی را تشکیل می دهد ودر صورت فقدان آن عمل، مرتکبین شامل حکم قمار بازی نخواهد بود.

بدین ترتیب برای تحقق عنصر روانی جرم قمار بازی علاوه بر احراز عمد عام مرتکب ناظر به عمل او به ممنوعیت قمار، حصول نتیجه وهدف مجرمانه مرتکبین دایر بر قصد تحصیل وجه یا مال دیگران نیز شرط تحقق جرم قمار بازی است.

بناً شناخت علل وریشه های پدیده قمار به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی برای شناخت شخصیت مجرم ودر جه خطر ارتکاب آن برای جامعه وطرز در مان مجرم از نظر جرم شناسی وتعیین جزاء از اهمیت خاص برخوردار می باشد.

منابع وماخذ:

قرانکریم.
قاموس اصطلاحات حقوقی.
کود جزاء.
قانون جزاء.
حقوق جزای اختصاصی- دکتر محمد صالح وحیدی.

هرگاه شوهر سفر کند برایش جواز دارد هر کدام از همسرانشان را با خود ببرد واگر قرعه کشی کند میان همسران خود خوب است ،وزن می تواند نوبت خود را به انباغش بخشش کند .

نظر امام غزالی درمورد تعدد زوجات:

دراینجا یادآوری دیدگاه امام محمد غزالی رحمه الله درارتباط با تعدد زوجات ومشروع بودن آن دررابطه با نیازهای جنسی و... نباید فراموش کنیم

امام غزالی می فرماید : ((طبیعت برخی از مردان به گونه است که دارای نیروی جنسی بسیاری هستند ، ویک همسر نیاز آنها را برآورده نمی سازد. برای چنین اشخاصی اختیار همسرانی دیگر مستحب است ، وچنانچه زمینه عشق ومحبت وبرآورده شدن نیاز جنسی آنان فراهم شد به همان تعداد کفایت نمایند ، درغیر این صورت مستحب است که تا چهارهمسر را به نکاح خود درآورند.))

امام محمد غزالی درادامه می فرماید: ((به هراندازه که انگیزه وعامل معلوم باشد ، لازم است راه حل به همان اندازهٔ، علت وسبب باشد ، زیرا هدف ازآن رفع نیاز طبیعی است وبراین اساس به کثرت وقلت همسران نگاه می شود .)) امام غزالی می خواهد بگوید که : تعدد همسر به خاطر محافظت انسان ازگناه ومصئونیت در مقابل کششهای جنسی شرعاً کارمطلوبی است.

سوء استفاده از رخصت تعدد زوجات:

جای انکار نیست که بسیاری از مسلمانان از مباح بودن تعدد همسر براساس شریعت وهدایت خداوند،کریم عمل ننموده ومرتکب سوء استفاده شده اند . همچنان که ازرخصت طلاق غالباً بصورت صحیحی استفاده نشده است .

کم نیستند کسانی که بدون یقین واطمینان به رعایت عدالت وانصاف، که یکی ازشروط ازدواج مجدد است ،اقدام به این کار می نمایند وبرخی هم در حالتی اقدام به ازدواج مجدد نموده اند که توانایی مادی لازم برای تأمین مصارف زندگی چند همسری را به هیچوجه نداشته اند .

آراءونظریات فقها ودانشمندان جدید(معاصر):

علما ودانشمندان معاصر درمورد تعدد زوجات به سه گروه تقسیم می شوند ، اینک آراء ونظریات هرکدام آنها را با دلایلشان درسه مبحث جداگانه ذکر ومورد بحث وبر رسی قرار می دهیم .

تعدد زوجات تنها درحالت ضرورت :

برخی از علماء ونویسندگان معاصر می گویند اصولاً تعدد زوجات به خاطر ضرورت ونیاز وعوامل مختلف این نیاز جائزاست . اما درحالت عادی بنا به مصلحت خانواده با آن مخالفت کرده اند ومی گویند :

«این کار عادتی است بد ، امیر مسلمین می تواند آن را منع کند ومردم را به عدم انجام آن تشویق نماید وبجز به وقت ضرورت مانند. عقیم بودن همسر اولی یا مبتلا بودن به بیماری لا علاج ، جائز نیست ، شیخ محمد عبده ، از متفکران جدید براین رأی است »

ترجیح رای برتر :

ازخلال عرضه آراء مختلف وبررسی وباز بینی دلائل آنها چنین پیداست که رای سوم که تعدد زوجات را مقرون به شرط مراعات عدالت وقدرت بر انفاق وتحقق مصلحت، باقی وجایز می دانند ، همان گونه که علمای امت اسلامی فهمیده اند ونسل اندر نسل آن را به ارث برده اند، برای بسیاری از مشکلات اجتماعی خانواده مسلمان که قبلاً به برخی از آنها اشاره شد تنها راه حل سالم است .

موقف قانون در مورد تعدد زوجات یا چند همسری:

درفقه اسلامی تعدد زوجات یا چند همسری فقط برای زن از موانع نکاح به شمار می رود . مرد علی الاصول می تواند به رغم بقای نکاح سابق ، مجدداً ازدواج کند .

با وجود این، اقدام علیه تعدد زوجات لازم می نمود وقانونگذاران کشورهای اسلامی در تلاش یافتن مفری (جای فرار) بر آمدند.

قانون ۱۹۱۷ عثمانی که هنوز براهل تسنن در لبنان حاکم است به نظریه پذیرفته شده ای در فقه حنبلی توسل جسته است که طبق آن می توان در عقد نکاح شرطی در ج کرد که وفق آن زوج تا زمانی که پیوند زناشویی قبلی وی باقی است از نکاح مجدد ممنوع باشد.

درفقه حنفی شرط تک همسری باطل وبلااثر محسوب می شود .قانون ۱۹۱۷ این شرط را صحیح میداند وزن درصورت ازدواج مجدد می تواند خود را مطلقه سازد . اما به چه ترتیب؟ طبق شرط ، زوجه از طرف همسر خود برای اجرای صیغه طلاق وکالت می یابد ، درصورتی که شوهر طلاق زوجه دوم را ترجیح ندهد.

قانون مدنی افغانستان مصوب ۱۳۵۵ ماده ۸۶ چنین ذکرکرده است. ازدواج به بیش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می تواند :

۱. درحالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد .

۲. درحالتی که شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس ، مسکن وتداوی مناسب را دارا باشد .

۳. درحالتی که مصلحت مشروع ، مانند عقیم بودن زوجه اولی ویا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج ، موجود باشد .

زنی که شوهر وی برخلاف حکم ماده (۸۶) این قانون ازدواج نموده باشد ، می تواند مطابق به احکام مندرج ماده (۱۸۳) این قانون ، بر اساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید .

زن می تواند هنگام عقد ازدواج شرط گذارد که اگر زوج وی مخالف احکام مندرج ماده (۸۶) این قانون به زن دیگر ازدواج کند ، صلاحیت طلاق به او انتقال داده می شود . این شرط وقتی اعتبار دارد که در وثیقه نکاح درج شده باشد .

شخصی که در ازدواج به بیش از یک زن مطابق حکم مندرج ماده (۸۶) این قانون متاهل بودن خود را کتمان نماید ورضائیت وموافقه صریح زنی را که جدیدا به نکاح گرفته است در مورد بدست نیاورده باشد ، درینصورت زوجه جدید می تواند در صورت عدم رضائیت به دوام معاشرت به زوج ، مطابق به احکام مندرج ماده (۱۸۳) قانون مدنی افغانستان بر اساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید .

مهمترین شرطی که قانون مدنی افغانستان به آن اهمیت بیش از حد قایل شده است وآنرا در ردیف اول قرار داده است ، همان شرط تامین عدالت دربین زوجات است . این شرط درواقع ناشی از همان شرطی است که خداوند متعال در قرآن کریم مسلمین را به رعایت آن مکلف ساخته وفرموده است :

« فان خفتم الا تعدلوا فواحدة ...» یعنی اگر بیم دارید که عدالت رابه بهترین وجه بین زنان تامین کرده نمی توانید پس به یک زن اکتفا کنید .

شرط دیگری که جهت اباحت تعدد زوجات درقانون مدنی افغانستان بدان اشاره شده است. عبارت از کفایت مالی زوج برای تامین نفقه زوجات است . همانطوریکه کفایت مالی در تک همسری مطرح بود، به همین ترتیب درتعدد زوجات نیز یک امر حتمی ولازمی به شمار میرود . این شرط نیز از آیه قرآنی منشاء گرفته است . خداوند متعال چنین می فرماید :

« اسکنوا هن من حیث سکنتم من وجد کم ولاتضاروهن لتضیقوا علیهن وان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن ».

یعنی : (محل سکونت آماده سازید درآنجایکه شما مطابق توان خود سکونت دارید وضرر نرسانید به ایشان تا زندگی ایشان را سخت ومشکل سازید واگر حامله بودند پس نفقه بدهید به ایشان تا وقتی که وضع حمل کنند.)

قانونگذاران مصر با وجود ملایم بودن این اقدام از آن تأسی نکرده وبه رغم ارائه طرحهای متعدد برای پیشگری ازتعدد زوجات،از دخالت در این قلمرو امتناع ورزیده اند.

قانون احوال شخصیه اردن مصوب ۱۹۵۱ نیز در ماده ۲۱ خود از راه حل قانون عثمانی پیروی کرده وصراحتاً اعلام می دارد که ضمانت عدم اجرای شرط ، فسخ عقد نکاح به تقاضای زن است .

قانون ۱۹۵۳ سوریه راه دیگری کشف کرده، این قانون علاوه بر آنکه صحت شرط عدم ازدواج مجدد را حفظ کرده است ، مقررمی دارد که ازدواج مجدد فقط با اجازه قاضی قابل انعقاد است .ماده ۱۷ اعلام می دارد که قاضی در صورتی که زوج را قادربه تامین همزمان مخارج دو زن نداند می تواند از صدور حکم اجازه ازدواج مجدد خود داری کند.

بدین ترتیب ، حتی اگر عدم ازدواج مجدد نیز شرط شده باشد ، بازهم حق زوج به ازدواج مجدد منوط به تشخیص قاضی است واین دومین محدودیتی است که بر تعدد زوجات وارد شده است . با این همه دامنه آن بسیار محدوداست ، چه ثروتمندان همچنان از این حق برخوردارند ومادامی که قادربه پرداخت مخارج ضروری باشند ، ازدواجهای بعدی برای آنان ممکن است .

قانون مصوب ۱۹۵۷ مراکش این نقص را بر طرف کرده است. به موجب ماده ۳۰-۱ این قانون ((درصورتی که بیم بی عدالتی در برابر زوجات وجود داشته باشد، چند همسری ممنوع است)). بنا براین دیگر تمکن مالی مورد نظر قرار نگرفته است .قانونگذار در اینجا به شرطی که در متن قرآن به تعدد زوجات مشروعیت می بخشد ، متمسک شده است . فقهای اسلامی این شرط را به عنوان شرط موجد حق منظور نمی دارند ، اما قانونگذار مراکش آن را تبدیل به یک شرط حقوقی نموده وبدین ترتیب تعدد زوجات قانونی را به رای قاضی منوط کرده است . البته اجازه ازدواج مجدد در اختیار قاضی نیست ، اما ((اگر زوجه عدم ازدواج مجددرا شرط نکرده باشد وهمسر وی نکاح جدیدی منعقد سازد ، زن می تواند برای تعیین این امر که ازدواج جدید به وی زیان وارد کرده است به دادگاه مراجعه نماید)). (ماده ۳۰-۲). درهرحال(سند عقد ازدواج مربوط به زوجه دوم تنظیم نخواهد شد ، مگر آنکه قبلاً مشارالیها از ازدواج اول خواستگار خود اطلاع داشته باشد).

قانون مصوب ۱۹۵۹ عراق شکل قاطع تری بخود گرفته است . دادگاه مراعات عدالت درقبال زوجات را فقط در هنگام ازدواج بعدی زوج یا درهنگام رسیدگی به درخواست زنیکه مدعی عسر وحرج است بررسی نمی کند ، بلکه قاضی قبلاً باید اجازه ازدواج مجدد را صادر کرده باشد . ماده ۳ این قانون اجازه مجددرا بدون تحصیل اجازه دادگاه ممنوع کرده است . اعطای اجازه همانند قانون سوریه منوط به تمکن مالی وهمانند قانون مراکش مشروط به امکان اجرای عدالت است . ضمانت اجرای عدم رعایت این مقررات اصولاً جنبه جزایی دارد . آیا می توان نتیجه گرفت که ازدواج مجدد بدون کسب اجازه دادگاه از لحاظ حقوقی صحیحاً واقع نمی شود ؟

درقانون مراکش وهمین طور در قانون عراق ازدواج قبلی از موانع نکاح به شمار نمی رود . البته ازدواج دوم ممکن است از طرق قضایی وبه استناد دلایل پیش بینی شده برای این نوع به طلاق منجر شود ، اما قانون عراق صراحتاً بطلان ازدواج دوم را اعلام نداشته وتنها مجازاتهای را برای تعدد زوجات درنظر گرفته است .

درکشور الجزایر نیز قانونی که طرح آن هنوز در دست مطالعه است ، اجازه قبلی قاضی را برای ازدواج مجدد زوج لازم می شمارد . متن ماره ۳۲ این لایحه رهنمودهایی به قاضی می دهد که باید مبنای ارزیابی وی قرار گیرد . متن این ماده به این شرح است:

((ازدواج با زوجه دوم جز با اجازه مخصوص قاضی انعقاد پذیر نیست .این مجوز صادرنمیشود مگر با بررسی دقیق انگیزه هایی ک ازدواج مجدد را توجیه کند ، مانند بیماری مزمن وعلاج ناپذیر زوجه یا نازایی زن که به وسیله پزشک منصوب دادگاه تایید شده باشد .قاضی برای دادن مجوز ، وضعیت مادی وروحی زوج وزوجه اول را درنظر می گیرد)) .

ازدواج با زن دیگر بدون اجازه قبلی قاضی مستوجب مجازاتهای چندی است (ماده ۳۳طرح). درقانون آمده است ((بدون توجه به انحلال ازدواج دوم))،آیا این جمله به منزله آن است که ازدواج دوم باید باطل تلقی شود؟ هیچ چیز این فرض را تایید نمی کند ، انحلال مستلزم وجود فعلی عقد است .

بدین سان ، تحول حقوق اسلامی درمسئله تعدد زوجات به هدفی که نهضت حقوق زنان خواستار آن بود نایل گشته است . اما باید اعتراف کرد که تنها در تونس این تحول به نقطه اوج خود رسیده است.

نفی قرابت:

درصورتیکه یک شخص کوشش کند قرابت زن را بعنوان عضو فامیل ویا اقارب خود که وی را اجازه می دهد تا دراموال، میراث وياسایر حقوق دست یابد، انکارکند، زن متذکره می تواند به محکمه برود وقرابت خود را توسط فیصله محکمه ثابت بسازد.

تعریف قرابت:

قرابت درلغت به معنای نزدیکی وخویشاوندی است. ودراصطلاح عبارت است ازخویشاوندی که به یکی ازسباب معین درشرع وقانون گفته می شود. اسباب قرابت سه نوع اند:

قرابت نسبی:

قرابت نسبی عبارت ازآن نوع خویشاوندی است که دراثرمتولد شدن یک شخص از شخص دیگر ویا دوشخص ازیک منشاء بوجود می آید.

قرابت سببی:

این نوع قرابت نزد فقها بنام قرابت بالمصاهره (دامادی) یاد می شود. قرابت سببی عبارت ازآن نوع خویشاوندی است که دراثر ازدواج بین هریک اززوجین با خویشاوندان دیگر ایجاد می شود.

قرابت رضاعی:

رضاع بافتح ویاکسر (را) که رضاعت هم گفته شده است ازنگاه لغوی به معنی مکیدن شیر ازپستان می باشد.

ازنگاه اصطلاحی عبارت ازمکیدن شیر توسط رضیع (طفل که شیرخوار) ازپستان زن درمدت معینه (بنا برنظراکثریت فقهای اسلامی دوسال اول ازحیات طفل وبنابرنظرامام اعظم سی ماه اول ازحیات طفل می باشد.

به عبارت دیگر معنی اصطلاحی رضاع عبارت ازرسیدن شیر انسان به جوف دهن طفل که سن آن اضافه تر ازدوسال (۲۴ ماه) نباشد، می باشد. بدین ترتیب قرابت رضاعی عبارت از آن نوع خویشاوندی است که بین دونفردراثر شیر خوردن حاصل می شود.

ماده سی وهشتم(۳۸) قانون منع خشونت علیه زن درمورد مجازات شخصی که نفی قرابت می کند چنین حکم می کند:(شخصی که از قرابت زن به مقصد محروم ساختن ازحق میراث یا اتلاف سایر حقوق شرعی وقانونی وی انکار، ولی قرابت وی به حکم محکمه ثابت گردد، حسب احوال به حبس قصیر که ازشش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.)

ممانعت ازحق تعلیم، تحصیل کارودسترسی به خدمات صحی:

یکی ازجمله خشونت علیه زن درافغانستان، محروم نمودن دختران وزنان ازحق تعلیم وتربیه است که براقتضای عرف وعادات می پذیرد. بدیهی است که این عمل براساس تصمیم اعضای خانواده مخصوصاً پدروبرادر صورت می گیرد. سرانجام این عمل منتهی به بدبختی، خرافه واوهام پرستی وسنت گرایی زنان ودختران درآینده می گردد. رفتن دختران به مدرسه ومکتب نه تنها درنقاط روستایی بلکه دراکثر نقاط شهری نیز خلاف دستور واصول قوم وتوهین به خانواده دخترتلقی می گردد. باضافه، عده ای قلیل دختران که فرصت رفتن به مکتب ومدرسه را پیدا می نمایند دراثرازدواج های قبل ازوقت ودرنتیجه رفتن به خانه شوهر از این حق محروم می گردند. حرمان دختران وزنان ازحق تعلیم وتعلم موجب انتزاع وتجرید آنها وعدم فراگرفتن حرفه ومهارت های متداول گردیده وآنها را به موجود وابسته، فاقد اندیشه، اوهام وخرافه پرست، سنت گراء محروم می نماید. درحالیکه خداوند(ج) اولین آیه مبارکه ای را که پیامبر ص نازل فرمود سوره علق درآن آیه مبارکه حکم خواندن را داد. وهمچنان خداوند درقرآن عظیم الشان می فرماید:(آیا برابراند کسانی می دانند وکسانی که نمی دانند.) همچنان پیامبر (ص) درمورد خواندن وآموختن چنین ارشاد فرموده است: طلب علم برمرد وزن مسلمان فرض است.)

الله (ج) درسوره الاحزاب آیه ۳۴ زنان را به فراگیری علم ودانش امر می نماید:« وایات خدا وسخنان حکمت انگیز (پیغمبر) را که درمنازل شما خوانده می شود (بیاموزید وبرای دیگران) یادکنید. بی گمان خداوند دقیق وآگاه است.

ماده ۴۴ قانون اساسی افغانستان درمورد حق تعلیم وتربیه وآموزش زنان به صورت مشخص حمایت به عمل آورده وتصریح می نماید:(دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن وانکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان وامحای بی سوادی درکشور، پروگرامهای مؤثری را طرح وتطبیق نماید.)

حسب ماده ۴۳ قانون اساسی، فراگیری علم ودانش حق تمام اتباع افغانستان اعم از زن ومرد است. ودولت مکلف است الی درجه لیسانس زمینه تعلیم مجانی را برای مردم خود فراهم سازد.

قانون معارف

به اساس ماده ۳ قانون معارف ، تمام اتباع افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم وتربیه می باشند.

مجازات جرم ممانعت ازحق تعلیم ، تحصیل ، کار ودسترسی به خدمات صحی ماده سی وپنجم(۳۵) قانون منع خشونت علیه زن درمورد مجازات شخصی که زنی را مانع شود چنین حکم می کند:(شخصی که زن را ازحق تعلیم، تحصیل، دسترسی به خدمات صحی یا استفاده ازسایر حقوق مندرج قوانین مانع می گردد، حسب احوال به حبس قصیرکه ازشش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.)

کاری اجباری:

کاربالای زن بدون درنظرداشت رضایت وی ممنوع است بناً مجبورنمودن دختران وزنان به کاراجباری درداخل ویاخارج ازخانه مخالف قانون می باشد وزن را نباید وادارنه کار اجباری نمود.

ماده ۴۹ قانون اساسی کاراجباری را بالای اتباع افغانستان اعم ازمرد وزن ممنوع قرارداده است و درزمینه ذیلا صراحت دارد:

«تحمیل کار اجباری ممنوع است.»

ضمنا ماده ۴ قانون کارباپیروی از قانون اساسی درمورد کاراجباری درزمینه چنین حکم می کند:

۱«- کاراجباری ممنوع است. کاروقتی اجباری پنداشته می شود، که کارکن به وسیله تهدید یا به نحودیگر خلاف اراده وی، به اجرای آن مکلف گردد.»

ماده سی وششم(۳۶) قانون منع خشونت علیه زن دررابطه به مجازات شخصی که زنی به کاراجباری وادارد چنین حکم می کند:(شخصی که زن را به کاراجباری وادارنماید، علاوه برجبران خساره حسب احوال به حبس قصیرکه ازشش ماه بیشترنباشد ، محکوم می گردد.)

منابع و مآخذ:
۱-قرآن کریم
۲-احادیث
۳-قانون اساسی
۴-کود جزا
۵-قانون قانون کار
۶-قانون منع خشونت علیه زن
۷- قانون جزاء
۸- قانون مدنی
۹- لغت نامه معین
۹۱- مقاله پوژهشی اروپا درمورد منع خشونت علیه زنان
۱۰- مجموعه مقالات آگاهی حقوقی.
۱۱- ممنوعیت خشونت علیه زن ازدیدگاه شریعت وقانون (سازمان انکشاف بین المللی بین حقوق)

تجاوز جنسی و ... تحصیل حق . . .

حالات مشدده در جرم تجاوز جنسی
مطابق صراحت فقره ۱ ماده (۶۳۹) کود جزاء ، ارتکاب جرم تجاوز جنسی در حالات ذیل مشدده شناخته شده ، مرتکب به مجازات حبس دوام درجه ۲، محکوم می گردد. [مدت حبس دوام درجه ۲ بیش از شانزده سال تا بیست سال است.] (ماده ۱۴۷ کود جزاء)
۱ – مجنی علیه طفل باشد.
[طفل به چند نوع است، صبی غیر ممیز ، صبی ممیز ، طفل نوجوان ، خلاصه طفل به کسی گفته میشود که ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد.]
۲ – مرتکب، با ارتکاب عمل جنسی باعث اسقاط جنین شده باشد.
[به این معنی که اگر زن حامله باشد وبالایش تجاوز جنسی صورت گیرد که از اثر این تجاوزجنین سقط شود یعنی طفل ضایع شود .]
۳ – مرتکب به نحوی بالای مجنی علیه نفوذ واختیار داشته باشد. [به این مفهوم که مرتکب تجاوز جنسی معلم ، مربی، استاد، یا آمر یا رئیس یک ریاست باشد وبا استفاده ازین موقف بالای کسانیکه به نحوی از انحا نفوذ داشته تجاوز جنسی نماید.]
۴ – مجنی علیه به اثر عمل تجاوز جنسی حامله شده باشد.
[اگر مجنی علیه (متضرر) از طبقه اناث باشد و بالاثر همین تجاوز حامله شود.]
۵ – عمل تجاوز جنسی سبب ایجاد مجروحیت یا صدمه شدید روحی به مجنی علیه گردیده باشد.
۶ – عمل تجاوز جنسی منجر به امراض مقاربت جنسی گردیده باشد.
[به این مفهوم که کسی به مرض ساری مبتلا باشد وبا کسی دیگری تجاوز جنسی نماید که متضرر هم مبتلا به مرض مقاربتی مانند سفلیس ، ایدز وغیره گردد.]
۷– مجنی علیه از جمله محارم دایمی یا مؤقتی متجاوز باشد.
[هدف ازین فقره اینست که تجاوز جنسی با محارم دایمی ، یعنی کسانیکه برای همیشه ازدواج با ایشان ممنوع است وبا محارم موقت یعنی آن کسانیکه ازدواج همرای شان برای موقت ممنوع است اما بعد از رفع این ممنوعیت ازدواج با ایشان جواز دارد.]
(۲) – هرگاه در نتیجه تجاوز جنسی مجنی علیه فوت نماید، مرتکب به اعدام ، محکوم میگردد.
تجاوز جنسی به شکل گروهی
ماده (۶۴۱) کود جزاء ، در مورد تجاوز گروهی چنین صراحت دارد:
هرگاه تجاوز جنسی بالای مجنی علیه توسط بیش از یک نفر ارتکاب یابد، هریک از مرتکبین با رعایت احکام مندرج اجزای ۴ و۵ ماده ۱۷۰ این قانون حسب احوال به اعدام یا حبس دوام درجه ۱ محکوم میگردد.
فقره ۴ و۵ ماده ۱۷۰ کود جزاء ، تجاوز جنسی گروهی برزن وتجاوز جنسی گروهی بر مرد را تذکروصراحت داده که اگر این تجاوز جنسی گروهی باعث مرگ مجنی علیه گردد ، مجرمین به اعدام محکوم میشوند.
گرچند ماده (۶۴۱) از دو مورد یعنی اعدام وحبس دوام درجه ۱ در چنین حالات را تذکر داده در حالیکه ماده (۱۷۰) صرف موارد اعدام را گرفته که از نظر نویسنده این مضمون یک تناقض جدی در بین دو ماده مذکور دیده میشود. امید در آینده برای رفع این نواقص اگر نویسنده به خطا مواجه نشده باشد توجه دست اندر کاران بخش قانون گذاران محترم را خواهانم .
در اخیر گفته میتوانیم که تجاوز جنسی چه بالای مرد یاشد یازن یک عمل شنیع وزشت است که هم از نظر شریعت وهم از دیدگاه قانون قابل مجازات شدید میباشد . با در نظر گرفتن این روحیه کود جزاء هم مجازات شدید را به مرتکبین این عمل زشت تا سرحد اعدام در نظر گرفته است .

منابع ومآخذ :
احکام شریعت اسلامی .
کود جزاء .
قانون منع خشونت علیه زن .

در ابتدا باید گفت برخی از اهداف زندگی تنها با پیوند زناشویی به نتیجه صحیح می‌رسد و انگیزه ازدواج بیشتر براساس آن شکل می‌گیرد مانند پیوند عاطفی زن و مرد، ارضای نیاز جنسی، تداوم نسل بشری، لذت فرزند داری است . لذا آنچه دست‌یابی به این اهداف اساسی را مختل می‌کند و با ماهیت ازدواج ناسازگار شمرده شده است اشتغال بیش از حد نیاز یا ضرورت زن می باشد که موجب عدم حضور زن در خانه شود از نظر اسلام مطلوب نیست. اما برخی کارها و نیازها وابستگی به ازدواج ندارند و برای افراد ازدواج کرده و ازدواج نکرده قابل دسترسی است مانند تحصیل و یا کارهای آشپزی و... که جزء اهداف اساسی ازدواج نیست و توسط دیگران نیز قابل انجام است.
اگرچه همکاری و هماهنگی زوجین در این‌گونه موارد به گرمی بیشتر کانون خانواده کمك می‌کند اما هدف اصلی ازدواج نیست. در اسلام نیز به همکاری در این‌گونه امور توصیه شده است اما به عنوان واجب برای زن به شمار نیاوردهجهت توضیح بیشتر به بیان دیدگاه شهید آیه‌اللّه مطهری درباره حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حق اشتغال آنان به طور مختصر اشاره می کنیم:
الف. حق اشتغال:
اسلام به زن حق اشتغال و حق مالکیت و تحصیل ثروت داده است و به مرد حق نداده در ثروت متعلّق به زن تصرف کند. (نساء، آیات ۷ و ۳۲)
زن مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است، این استعدادها را خدا به او داده است و حکیمانه است که باید به ثمر برسد. از آنجا که هر استعداد طبیعی، دلیل یك حق طبیعی است، پس اشتغالزن حقی است که خدای متعال بهآنان ارزانی داشته است و محروم ساختن او از این حق خلاف عدالت که آفرینش به او داده است، نه تنها ستم به زن است، بلکه خیانت به اجتماع نیز می‌باشد، زیرا هر چیزی که سبب شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی‌اثر بماند به زیان اجتماع است.
اسلام هرگز نمی‌خواهد زن، بی‌کار و بی‌عار بنشیند و موجودی بی‌ثمر بارآیدکار زن متعلق به خود اوست زن اگر مایل باشد، کاری که در خانهبه وی واگذار شود مجاناً و تبرعاً انجام می‌دهد و اگر نخواهد، مرد حق ندارد او را مجبور به انجام کار کند. حتی در شیر دادن به طفل با اینکه زن یعنی مادر اولویت دارد، اولویت او موجب سقوط حق اجرت او نیست، فقط در صورتی که زن مادر طفل مبلغ بیشتری مطالبه کند مرد حق دارد طفل را به دایه‌ای که اجرت کمتری می‌گیرد بسپارد.
کار زنان اختصاص به حوزه درون خانه ندارد، بلکه زن می‌تواند هر نوع کاری که فاسد کننده خانواده و مزاحم حقوق ناشی از ازدواج و شوهرداری نباشد برای خود انتخاب کند و درآمدش هم منحصراً به خود او تعلّق دارد.
ناگفته نماند که اکثر دانشمندان بر این نظر نیستند که وظیفه زن، فقط مادری و خانه‌داری است؛ بلکه مقصود آنان این است که لزومی ندارد زن الزاماً به درون خانه رانده شود و پرده‌نشین باشد در این قسمت برخی ازحقدانان سه مسأله را مطرح نموده اند:
۱-اصل حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اشتغال آ نان.
۲- حوزه حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی و اشتغال آنان که باید متناسب با ویژگیهای جسمی و روحی وی باشد.
۳- نحوه حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی واشتغال که باید سالم و بدون آفت باشد.
اسلام، ساز و کارهایی را برای مسأله اندیشیده است و از جمله آنها می‌توان به پوشش اسلامی بانوان و کسب اجازه از همسران اشاره کرد. یکی از ایرادهایی که به حجاب اسلامی می‌گیرند این است که حجاب مانع اشتغال زنان و باعث رکود و تعطیل فعالیت‌های زنان می‌گردد. پاسخ آن است که مبنای حجاب در اسلام این است که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، خالص برای کار و فعالیت باشد و به همین دلیل به زن اجازه نمی‌دهد که هنگام خروج از منزل، موجبات گناه را فراهم کند و به مرد هم اجازه چشم چرانی نمی‌دهد. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلج نمی‌کند بلکه موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می‌گرد. این ایراد بر حجاب نوع هندی یا یهودی یا ایران باستان وارد است؛ در حالی که حجاب اسلامی هیچگاه حکم به حبس زن در خانه نمی‌دهد تا جامعه را از وجود و استعدادهای او محروم سازد، بلکه حدودی را تعیین می‌کند که زن با عمل به آن حدود، از چشم چرانی و فساد اخلاق مردان در امان باشد و خود نیز با وقار در عرصه اجتماع ظاهر شود.
نکته عجیب آن است که مخالفان حجاب به بهانه اینکه حجاب نیمی از افراد جامعه را فلج می‌کند با ترویج بی‌حجابی و فساد و بی‌بند و باری نیروی تمام افراد جامعه را فلج می‌کند.
نتیجه این می‌شود که در جوامع مسلمان ، فقط در قریه ها و خانواده‌های بسیار متدیّن، زنان با لباس ساده در اجتماع ظاهر می‌شوند و به فعالیت اقتصادی مفید می‌پردازند، وگرنه بعضی از زنان برای خودآرایی و آرایش، جز استهلاك ثروت و وقت و فاسد کردن اخلاق اجتماعی و خانواده، کار دیگری نمی‌کنند و عده‌ای جاهل، نام این را فعالیت اجتماعی و آزادی زن می‌گذارند.
ب- کسب اجازه زن برای خروج از منزل:
یکی از ایرادهایی که بر نظام حقوقی زن در اسلام می‌گیرند وجود محدودیت‌هایی برای زن در اصل حضور در جامعه و یا نحوه حضور است. اینکه زن برای خروج از منزل نیاز به اجازه شوهر داشته باشد، با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. می‌گویند چگونه ممکن است برای زن حق اشتغال و استقلال اقتصادی قایل شد، با وجود آن این محدودیت‌ها را قابل توجیه دانست؟
پاسخ آن است که صِرف بیرون رفتن زن از خانه یا خرید و فروش توسط زن در فروشگاه اگرچه فروشنده یا خریدار مرد باشد و یا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات، حرام و ممنوع نیست، چنانکه در مساجد و مجالس مذهبی و پای منبرها شرکت می‌کنند. چه کسی گفته که تحصیل زن، فن و هنرآموزی زن و شکوفایی استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده، حرام است؟! آنچه که مهم است رعایت پوشش اسلامی به گونه‌ای که بیرون رفتن به صورت خودنمایی نباشد؛
رعایت مصلحت خانوادگی که ایجاب می‌کند خارج شدن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی او باشد. این بدان جهت است که از نظر اسلام مرد رئیس خانواده است. بنابراین در حدودی که مرد مصالح خانوادگی را در نظر می‌گیرد حق دارد زن را از کار معیّنی منع کند. البتّه مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر. گاهی ممکن است رفت و آمد زن به خانه اقوام و فامیل حتی خانه مادرش برخلاف مصلحت خانوادگی باشد، برای مثال خواهر یا برادر او فرد مفسد و فتنه‌انگیزی است که زن را ضد مصالح خانوادگی تحریك می‌کند و زن پس از برگشت به منزل بهانه گیری می‌کند و با ایجاد ناراحتی در خانه، زندگی را تلخ و غیرقابل تحمل می‌سازد. در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت‌های زیانبخش که زیانش متوجه همه اعضای خانواده اعم از مرد، زن و فرزندانشان می‌شود جلوگیری کند. ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست، دخالت مرد توجیه شرعی ندارد. پیش از این گفتیم زن می‌تواند هر نوع شغلی برای خود انتخاب کند مشروط به اینکه مایه فساد برای خانواده و یامزاحم حقوق همسر نباشد.
در ادامه، یادآوری نکات ذیل که از سوی دانشمندان حقوق ارایه شده است خالی ازسودمندی نخواهد بود:
وظیفه اول زن، مادری و خانه‌داری است و اشتغال زن نباید با این وظیفه مهم مزاحمت داشته باشد؛
در این بحث، منظور اندیشمندان حقوق آن نوع کار اجتماعی ایست که حیثیت و شرافت یک زن با توجه به شریعت اسلامی حفظ شده کار در شان وی باشد.
ج- حق فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی:
اسلام با فعالیت واقعی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زن هرگز مخالف نیست و متون و تاریخ اسلام گواه آن است. اسلام مخالف فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی است. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه منکر حق تحصیل علم و دانش او است و نه فعالیت اقتصادی یا اجتماعی و سیاسی خاصی را برای زن
تحریم می‌کند. در مبارزات سیاسی و تبلیغ فرهنگی، دختر علی علیه‌السلام، همدوش برادرش حسین علیه‌السلام در حماسه بزرگ و تاریخی کربلا حضور فعال و بسیار مؤثر داشت. فلسفه اینکه اباعبدالله علیه‌السلام اهل‌بیت اش را در آن سفر خطرناك همراه خود برده است، یك اقدام حساب شده و به جهت مأموریت و رسالتی بود که باید در آن سفر انجام دهند.
د. شرکت زن در مجامع:
اسلام با همه توجهی که به پاکی روابط جنسی میان زن و مرد و حفظ عفاف دارد، به عنوان یك آیین معتدل و متعادل از جنبه‌های دیگر غفلت نمی‌ورزد و زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند. زنان مسلمان می‌توانند در حج، جهاد دفاعی، نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان، بیعت با ولی امر مسلمین، و... شرکت نمایند. چنان‌که می‌دانیم جهاد بر زنان واجب نیست مگر وقتی که شهر و حوزه مسلمانان مورد حمله واقع شود و جنبه صددرصد دفاعی به خود بگیرد. در غیر این صورت واجب نیست. با وجود این، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به برخی از زنان اجازه می‌داد که در جنگ‌ها برای کمك به سربازان و مجروحان شرکت کنند.
حق مشارکت سیاسی در غرب در پایان قرن بیستم و شروع قرن بیست‌ویکم مطرح شد در حالی که اسلام بیش از چهارده قرن پیش این حق را برای زنان به رسمیت شناخت. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از زنان بیعت گرفت ولی با آنان مصافحه نکرد، دستور داد ظرف آبی آوردند، دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش در آب فرو برند، و همین را بیعت شمرد.
فقه اسلامی، تاریخ و همچنین روایات بیانگر نمونه‌های مختلف از حضور اجتماعی زنان مسلمان است.
باید بکوشیم در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، واحدهای اختصاصی برای زنان به وجود آوریم . تنها در این صورت است که زنان شخصیت واقعی خود را بازخواهند یافت و به نام آزادی و مساوات، ابزار و بازیچه و احیاناً وسیله اطفای شهوات مردان قرار نخواهند گرفت.
نا گفته نباید گذاشتکمال اصلی انسان «تقرب الی‌الله» است. تحصیل یکوسیله و ابزاراست برای رسیدن به کمال انسانی.
یعنی یکی از راه‌هایی است که می‌توان از آن در مسیر کمال سود جست و چه بساگاهی تحصیل در مسیر انحطاط نیز به کار گرفته می شود. البته مقداری از دانش برای هر انسانی ضرورت دارد و بدون آن پیمودن راه کمال نهایی مقدور نیست. از این رو آنچه در این زمینه ضروری است وفقدان آن موجب خسران خواهد شد، در اسلام واجب شمرده شده است و زن در این مسئله نیاز به اجازه دیگری مانند شوهر ندارد و در مواردی که خروج از خانه نیز واجب باشد مانند انجام حج واجب یادگیری و احکام واجب نیازی به اجازه نیست.
چنان که گفته شد حق تحصیل علم، در همه موارد وابسته به رضایت شوهر نیست، بلکه رضایت شوهر در بخشی از امور غیر الزامی است.
شوهر حق منع از تحصیل ندارد، بلکه آنچه را می‌تواند منع کند خروج از منزل در غیر موارد لزوم است. بنابراین اگر کسی بتواند به هر وسیله، در داخل خانه به مطالعه و تحصیل بپردازد، به گونه‌ای که موجب ضایع شدن حقوق واجب شوهر نشود، بلامانع است و شوهر حق بازداشتن زن را در این مورد ندارد. زن می‌تواند به صورت شرط ضمن عقد از شوهر حق تحصیل در خارج از منزل و یا جواز خروج از منزل به صورت مطلق و یا مقید را بکند، همان طور که هر شرط مشروع دیگری را می‌تواند بگنجاند.

منابع ماخذ:
قران کریم
احادیث نبوی
حقوق و وجایب زن ، ذبیح الله فایز
زن در اسلام ، سایت ویکی پدیا
مجموعه آثار شهید مطهری

Monthly

Agahi Hoquqi

Ministry Of Justice's Publication Organ

June 21 2018 | May 180 | Year 12th

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تحت نظر: هیئت تحریر
سردبیر: دردانه فضایلی
هیئت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگرخیل عزیزی،
دوست محمد عارف، شفیق الله نبی زاده، محمد عارف صباح
دیزاینر: سیدبشیر هاشمی - ۰۷۹۲۷۷۹۱۵۰ (+۹۳)، sayedbashir_hashemi@yahoo.com
گزارشگر: بشیر احمد عزیزی
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدت های حقوقی
آدرس انترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoqoqi@gmail.com
شماره تماس: ۲۷۵ ۰۴۲ ۷۵۲ (۹۳+) - ۳۳۸ ۰۳۴ ۷۰۰ (۹۳+)

نشستی به منظور معرفی با اعضای شبکه مبارزه با قاچاق انسان

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

۲۰ جوزا ۱۳۹۷

این نشست به ریاست نایف ریاضت، رییس ارتباط خارجه و مسوول سکرتریت کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران در وزارت عدلیه ج.ا.ا، برگزار گردید. اشتراک کنندگان پیرامون فعالیت‌های وسیع غرض جلوگیری از پدیده شوم قاچاق انسان بحث و گفت‌وگو نمودند.

محمدحسن سلیمی عضو مسلکی حقوق بشر و مسوول سکرتریت کمیته تخنیکی مبارزه با قاچاق انسان در مورد ادامه فعالیت‌های شبکه مبارزه با قاچاق انسان، جلب دونرها و همخوان سازی پلان مبارزه با قاچاق انسان با وضعیت فعلی کشور معلومات ارایه نمود.

شبکه مبارزه با قاچاق انسان که بیشتر از ۲۵ نهاد جامعه مدنی عضویت آن را دارد، زیر عنوان ANCTIP به تازگی ایجاد گردیده است.

نشست کمیته تخنیکی کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران برگزار گردید

گزارشگر : بشیر احمد عزیزی

۱۵ جوزا ۱۳۹۷

این نشست به ریاست نایف ریاضت سرپرست ریاست ارتباط خارجه وزارت عدلیه ج.ا.ا، و رییس کمیته تخنیکی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و با اشتراک نمایندگان ادارات عضوی این کمیسیون به منظور معرفی دیتابیس آنلاین مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران جهت غنی سازی هرچه بیشتر آن راه اندازی شده بود.

نایف ریاضت سرپرست ریاست ارتباط خارجه، دیتابیس آنلاین مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران را در امر مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران مهم خوانده و از اشتراک کنندگان خواست که نظریات و پیشنهادات شان را جهت غنی شدن هرچه بیشتر این دیتابیس مطرح نمایند.

در این نشست، دیتابیس آنلاین مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران به معرفی گرفته شد و اشتراک کنندگان نظریات شان را جهت غنی شدن هرچه بیشتر آن مطرح نمودند. این دیتابیس به همکاری دفتر IOM تهیه گردیده و قرار است معلومات مربوط به قاچاقبران و قربانیان قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و اقدامات انجام شده در این زمینه، ثبت آن گردد.

در اخیر به حسن سلیمی عضو مسلکی حقوق بشر و مسوول سکرتریت کمیته تخنیکی وظیفه سپرده شد تا یک یک نفر نماینده از ده کمیسیون ولایتی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و نمایندگان عضوی کمیته تخنیکی دعوت نماید تا در برنامه آموزشی دیتابیس آنلاین شرکت نمایند.

تحصیل حق طبیعی زن

تتبع و نگارش: دردانه فضایلی

دختران در جوامع سنتی از دستیابی به توانایی های خود محروم می مانند زیرا درآن جوامع آموزش و پرورش دختران یک اولویت به شمار نمی آید. هزینه های مدارس و نگرانیهای در رابطه با امنیت دختران در مدارس وجود دارد نیز مانع از تحصیل آنها می شوند.

ولی به جهت وجود شواهد بی شمار مبنی براین که دختران تحصیل کرده برای جامعه مفید هستند و همچنان به خاطر تمرکز بین المللی بر آموزش و پرورش سراسری دختران اندک اندک بر این موانع غالب می شوند . کمتر سرمایه گذاری های هستند که به اندازه آموزش و پرورش دختران باز دهی داشته باشند. نظر سنجی های خانواده ها در کشورهای در حال توسعه به طور مداوم نشان می دهند که زنانی که دارای تحصیلات بیشتری هستند دارای خانواده های مرفه ، کوچکتر، سالمتر و تحصیلکرده تر هستند.

بانک جهانی گزارش می دهد که آموزش سبب افزاش دست مزد زنان شده و به رشد اقتصادی سریع تر می انجامد زمانی که زنان در امد بیشتری دارند رفاه خانواده بهبود یافته و موارد کمتر مبتلا به انواع بیماریهای فزیکی و رفتارها زیانبار می باشند.

فقیرترین کشورها پایین ترین آمارتحصیل دختران رادارند مبنی بر اعلام سازمان یونسکو. در کشورهای با تعداد بالای دانش آموزان دختر، دختران موفق ترین آنان محسوب شده اند مانند امریکا، اروپا ... در امریکا نام نویسی دختران در مقاطع آموزش متوسطه و دانشگاه از پسران هم دوره آنها پیشی گرفته است که این امر نشان می دهد اگر به دختران فرصت داده شود می توانند موفقتر باشند.

تحصیل دانش، کسب کمال و رسیدن به مدارج عالی حق طبیعی هر انسانی است و نمی‌توان زن را فقط به خاطر زن بودن وی از آن محروم و یا منوط به اجازه دیگران کرد.

ادامه در صفحه ۳

تجاوز جنسی ومجازات آن

تتبع و نگارش:فیض الله خواجه امانی

تجاوز جنسی را اکثر مردم با جرم زنا یکی دانسته خواهان تطبیق مجازات جرم زنا بالای مرتکب جرم مذکور میشوند، درحالیکه جرم زنا وتجاوز جنسی فرق زیاد داشته، جرم زنا، عمل جنسی مرد وزنی است که بین شان رابطه نکاح وشبه آن موجود نباشد، اما جرم تجاوزجنسی ارتکاب فعل زنا ولواط به جبروزور، با زن ومرد میباشد که مجازات وچگونگی شرایط تحقق آنها از هم فرق داشته که در ذیل به طور مختصر صرف تجاوز جنسی ومجازات آن را به بحث خواهیم گرفت:

تعریف تجاوز جنسی از دیدگاه کود جزاء:

ماده (۶۳۶) کود جزاء، تجاوز جنسی را چنین تعریف کرده است:

شخصی که با جبر یا سایر وسایل ارعاب آمیز یا تهدید یا با استفاده از نا توانی جسمی ویا روانی مجنی علیه یا ناتوانی ابراز رضایت مجنی علیه اعم از زن ومرد یا خورانیدن دوای بیهوش کننده یا سایر وسایل زایل کننده عقل به وی ، عمل مقاربت جنسی را انجام دهد یا اعضای بدن یا اشیایی دیگر را در قُبل یا دُبر وی داخل نماید، مرتکب تجاوز جنسی شناخته میشود.

تعریف تجاوز جنسی از دیدگاه قانون منع خشونت علیه زن :

تجاوز جنسی در فقره ۳ ماده (۳) قانون مذکور چنین تعریف شده است :

ار تکاب فعل زنا یا لواط با زن بالغ توام با اجبار واکراه یا ارتکاب آن با زن نا بالغ ویا تجاوز بر عفت وناموس زن است .

تعریف دیگر تجاوز جنسی :

تجاوز جنسی در زبان عربی (اغتصاب) گفته شده ، که از کلمه غصب گرفته شده است :

غصب در لغت ، چیزی را به زور وعنف گرفتن را گویند مثلآ : "غصب فلاناً علی الشی " یعنی فلان شخص را بکاری مجبور نمود. بعدآ بمرور زمان به شکل مجازی بالای مقاربت جنسی به عنف ونا مشروع اطلاق گردید. بنآ تجاوز جنسی عبارت است از مقاربت جنسی نامشروع تحت اثر جبر واکراه چه از راه فرج باشد یا دُبُر.

از نظر فقه در مورد جزای تجاوز جنسی دو دید گاه وجود دارد:

الف - دیدگاه اول اینست که جزای تجاوز جنسی همانا جزای زنا است. یعنی برای محصین سنگسار وبرای غیر محصین صد دره .

- اکثر مذاهب اسلامی منجمله احناف تجاوز جنسی را نوعی از انوع زنا یا لواط خوانده اند ، زیرا از نظر آنها احکام خاص ومجازات ویژ ه ای برای مرتکبین تجاوز جنسی در شریعت اسلامی پیش بینی نشده است . البته در بخش مجازات مکرّه (شخصیکه جبراً به جرم زنا کشانده شده است) تفاوت وجود دارد. چون در جرایم زنا ولواط طرفین مستحق جزاء می شوند ، اما جزای تجاوز جنسی فرق دارد. (بعدآ شرح داده خواهد شد.)

- هرگاه مکرّه زن باشد ، به اتفاق علما تنها مرد متجاوز مجازات می شود . اما زن معاف می گردد. اما از نظر امام ابو یوسف اکراه وجبر به زنا مسئولیت شخص مکرّه را مرفوع میسازد چه زن باشد یا مرد .

ب – برخی از علما تجاوز جنسی را تحت حکم حرابه داخل نموده اند وجزای حرابه را بالایش قابل تطبیق می دانند.

مجازات تجاوز جنسی در کود جزاء :

مطابق صراحت ماده (۶۳۷) کود جزاء ، مرتکب تجاوز جنسی به حبس طویل ، محکوم میگردد.

مطابق صراحت ماده مذکور اگر کسی مرتکب جرم تجاوز جنسی شود، یعنی بزور وبه جبر بالای کسی تجاوز جنسی نماید ، خواه ازراه دُبُر باشد یا قُبل به حبس طویل محکوم میشود.

حبس طویل حبسی است که مرتکب آن به حبس بیش از پنج تا شانزده سال محکوم میگردد. البته مدت را که قانون قید کرده یعنی فاصله بین بیش از پنج تا شانزده سال را صلاحیت قاضی است که با در نظر داشت احوال واوضاع وبا رعایت جانب عدالت وانصاف حکم خویش را صادرنماید .

ادامه در صفحه ۳

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند. ماده ۲۲ قانون اساسی